



تقریر درس خارج فقه الزکاة آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام	قادر بریسم	جلسه	۰۹	تاریخ	۱۴۰۴ / ۰۷ / ۲۱
عنوان ۱	فقه الزکاة الخاص					
عنوان ۲	زکات الأموال					
عنوان ۳	شرایط وجوب زکات الأموال					
عنوان ۴	مسأله دوازدهم: نذر تصدق بر عین زکویه					
عنوان ۵	فرض دوم: نذر به مجموع مال ❖ قول نخست: صحت مطلق نذر ❖ قول دوم: بطلان مطلق نذر ❖ قول سوم: تفصیل در حکم نذر (بطلان نسبی) ❖ قول چهارم: تفصیل ثلاثی ❖ نظریه مختار: تعلق زکات به نحو کلی فی الذمه					

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

چکیده

این مبحث به بررسی حکم شرعی نذری می پردازد که متعلق آن، تصدق تمام مالی است که زکات بر آن واجب شده است. در این خصوص، چهار دیدگاه اصلی مطرح می شود:

۱. **صحت مطلق:** این دیدگاه معتقد است نذر کاملاً صحیح است. شخص نذرکننده می تواند زکات واجب را از مال دیگری بپردازد (تبدیل کند) و سپس به نذر خود مبنی بر تصدق تمام عین مال عمل نماید.
۲. **بطلان مطلق:** بر اساس این نظر، چون بخشی از مال (سهم زکات) ملک نذرکننده نیست، نذر او که به «مجموع مال» تعلق گرفته، به کلی باطل است.
۳. **تفصیل (بطلان نسبی):** این قول، نذر را به دو بخش منحل می کند؛ نذر نسبت به سهم زکات را باطل و نسبت به مابقی مال را صحیح و لازم الوفا می داند.
۴. **تفصیل ثلاثی (نظر مرحوم حکیم):** این دیدگاه حکم را به نیت نذرکننده و کیفیت تعلق نذر وابسته می داند و آن را به سه صورت تقسیم می کند که ممکن است به صحت، بطلان کلی یا بطلان نسبی نذر منجر شود.

نظریه مختار: دیدگاه نهایی و برگزیده، راه حلی بنیادین ارائه می دهد. بر اساس این نظر، وجوب زکات به «عین مال خارجی» تعلق نمی گیرد؛ بلکه یک تعهد کلی بر ذمه مالک است (کلی فی الذمه). از این رو، هیچ تراحمی میان نذر و زکات وجود ندارد.

نتیجه: نذر تصدق بر تمام آن مال معین، نذری صحیح و لازم الوفاست. فرد باید به نذر خود عمل کرده و تمام آن مال را صدقه دهد و هم‌زمان، تکلیف زکات را که بر ذمه اوست، از اموال دیگر خود ادا نماید.

نذر تصدق بر عین زکویه

بحث ما، پیرامون نذر تصدق به «عین زکویه» بود. و این مطلب را بررسی می‌کردیم که هرگاه نذر تصدق به کل مال یا مجموع المال تعلق گیرد، چه حکمی بر آن مترتب خواهد بود؟ فرض نخست آن بود که این نذر، به مقداری تعلق یابد که ماعدای حصه زکات باشد. در این صورت، همان‌گونه که بیان شد، مشکلی وجود ندارد؛ زیرا تصدق به غیر حصه زکات صورت گرفته، تراحمی پیش نمی‌آید و نذر صحیح می‌باشد.

فرض دوم: نذر به مجموع مال

اما فرض دوم که اکنون به آن می‌پردازیم، آن است که شخص نذر کرده باشد به مجموع مالی که حصه زکات نیز در ضمن آن قرار دارد. در این خصوص، به بررسی اقوال پرداخته‌ایم و سه دیدگاه را متعرض شدیم و قول چهارمی نیز وجود دارد که به آن خواهیم پرداخت.

قول نخست: صحت مطلق نذر

این قول، بر صحت مطلق نذر استوار است. استدلال این دیدگاه آن است که هرچند تصدق به تمامی این مال تعلق گرفته و از سویی بخشی از اجزای آن، حصه زکات است، اما شخص در اینجا ولایت بر تبدیل دارد. او می‌تواند حصه زکات را به مال دیگری تبدیل نماید و زکات آن را از مالی دیگر بپردازد، یا قیمت این عین زکویه را پرداخت کند و در عین حال، به نذر خویش در تصدق به جمیع این مال خارجیه نیز وفا نماید. این دیدگاه، نظر استاد بزرگوار، مرحوم آیت الله خوئی رحمته الله است.

قول دوم: بطلان مطلق نذر

دلیل این قول بر آن است که آنچه نذر به آن تعلق گرفته، مجموع المال است و مجموع مال، بما هو مجموع، ملک شخص ناذر نیست؛ زیرا نذر به چیزی تعلق گرفته که تمام آن در ملکیت او نمی‌باشد. از سوی دیگر، آنچه ملک اوست - یعنی مابقی غیر از حصه زکات - مورد نذر نبوده است. بنابراین، آنچه موضوع نذر واقع شده، ملک ناذر نیست و آنچه در ملکیت اوست، متعلق نذر قرار نگرفته است؛ از این رو نذر به کلی، باطل خواهد بود.

در نقد این دیدگاه گفتیم که چون صاحب مال، ولایت بر تبدیل دارد و تمام مال پیش از پرداخت زکات در ملکیت اوست، ولو آنکه زکات به حصه‌ای از آن تعلق گرفته باشد، تا زمانی که زکات را اقباض نکرده، از ملکش خارج نمی‌گردد. پس تمام مال، ملک اوست و نذر کرده است که همه این مال را صدقه بدهد؛ این نذر صحیح است. اما تکلیف حصه زکاتی چه می‌شود؟ در اینجا آن را تبدیل می‌کند و این سهم زکات را به قیمت یا از عین دیگری که ملک خود اوست، به اندازه قیمت عین زکویه به عنوان زکات می‌پردازد؛ همانند زکات فطره که بر هر شخص واجب می‌شود؛ اما لازم نیست خود طعام را بدهد؛ بلکه می‌تواند قیمتش را بپردازد. در اینجا نیز قیمت این سهم الزکاة را می‌پردازد و به نذرش عمل می‌کند.

قول سوم: تفصیل در حکم نذر (بطلان نسبی)

قول سوم، مبتنی بر تفصیل است؛ بدین شرح که این نذر در آن مقداری که حصه زکات است، باطل می شود؛ ولی در مابقی مال، صحیح است. چراکه وقتی نذر کرده همه این مال را تصدق بدهد، نذرش نسبت به حصه زکات باطل می شود؛ زیرا این بخش از مال، متعلق حق غیر است؛ اما دلیلی برای بطلان آن نسبت به مابقی وجود ندارد. این مسأله، نظیر بسیاری از معاملات و التزامات، مانند بیع «مایملک» و «مالایملک» است. مرحوم آیت الله خوئی رحمته الله در دفاع از این قول، ادعا می کردند که در چنین مواردی، ارتکاز عقلانی بر انحلال عقد یا التزام وجود دارد. آن بخشی که باطل است، باطل می ماند و نسبت به بخش دیگر، عقد، لازم الوفا است. ایشان مدعی بودند که یک ارتکاز عقلانی بر انحلال التزام به دو بخش وجود دارد: بخشی از التزام که با مانع مواجه است، عقد یا وفای به آن در آن بخش باطل می شود؛ اما آن بخشی که امکان عمل به آن وجود دارد، باید بدان عمل شود.

ما بر این دیدگاه اشکال وارد کردیم که اولاً، این ارتکاز عقلانی نیست. آنچه در ارتکاز عقلانی مطرح است، ارتکازی است که در ظهور کلام و ظهور صیغه عقد اثر می گذارد. قطعاً ارتکاز در اینجا نمی تواند در ظهور صیغه عقد و در ظهور آن کلامی که رد و بدل شده، تأثیرگذار باشد. ظهور کلام همان است که هست؛ ظهور کلام به کل مال و جمیع آن تعلق گرفته است: «لِلَّهِ عَلَى أَنْ أَتَصَدَّقَ بِجَمِيعِ الْمَالِ». این ارتکاز عقلانی آن را تبدیل نمی کند به اینکه نذر کرده باشد به بخشی از حصه مال، مثلاً: «لِلَّهِ عَلَى أَنْ أَتَصَدَّقَ بِخُصُوصِ بَعْضِ الْمَالِ»؛ یعنی نسبت به خصوص آن بخشی که ملک اوست. قطعاً ارتکاز عقلانی در اینجا جایگاهی ندارد، مگر آنکه ادعا کنیم سیره عقلانی وجود دارد که هر جا التزام یا عقدی به مجموع المال تعلق گرفت و این عقد نسبت به بخشی از این مال باطل شد، این عقد به دو بخش منحل می شود. نسبت به مقداری که باطل شده، باطل است و مقداری که عقد نسبت به آن صحیح است، نافذ خواهد بود و وجوب وفا دارد؛ اما چنین سیره ای برای ما محرز نیست. بله، در مواردی که دلیل خاصی داشته باشیم، صحیح است؛ اما اینکه سیره عقلانی ادعا شود، برای ما مسلم نیست.

قول چهارم: تفصیل ثلاثی

این دیدگاه که مرحوم آیت الله حکیم رحمته الله در کتاب مستمسک اختیار کرده اند، تفصیلی سه وجهی به شرح زیر است: صورت اول: مفاد نذر، تصدق به مال پس از ادای واجب زکات باشد. اگر چنین نیتی کرده باشد، یعنی نیت کرده است که این مال و مجموع المال را صدقه بدهد، اما پس از آنکه حق زکات را ادا نموده باشد. در چنین حالتی، باید زکات را از مال دیگر ادا کند؛ یعنی همان دیدگاه مرحوم آیت الله خوئی. در اینجا باید تبدیل صورت گیرد و زکات از مال دیگر پرداخت شود و به نذرش نیز در تصدق به جمیع مال عمل کند. اگر نذرش این گونه باشد که «نذر می کنم همه این مال را صدقه بدهم، اما پس از آنکه این مال را از زکات فک کنم»، این نذر صحیح است.

صورت دوم (وحدت مطلوب): نذر به تصدق تمامی مال «علی ما هو علیه» تعلق گرفته باشد؛ یعنی بر همان حالتی که متعلق حق زکات است. این فرض خود دو حالت دارد:

نخست آنکه نذر بر نحو «وحدت مطلوب» باشد. در اینجا مطلوب واحد است و یک نذر بیشتر صورت نگرفته، اما متعلق آن هر دو بخش مال (بخش زکوی و غیر زکوی) را در بر می گیرد. اگر این گونه باشد، نذر باطل است؛ زیرا آن حصه ای

که زکات به آن تعلق گرفته، خارج از قدرت اوست و نذر نسبت به آن باطل است. و چون نذرش بر نحو وحدت مطلوب است، نسبت به مابقی نیز باطل می‌گردد، زیرا تفکیک میان اجزای این نذر ممکن نیست.

صورت سوم (تعدد مطلوب): دیگر آنکه نذر بر نحو «تعدد مطلوب» باشد. یعنی نذر کرده که همه این مال را که بخشی از آن حصه زکات است، تصدق بدهد، اما این انحلالی که مرحوم آیت الله خوئی می‌فرمودند، در خود قصد او آمده است. گویی قصد کرده نذر کند این مال را در راه خدا بدهد به نحوی که نیت نذر نسبت به بخش‌های مختلف آن منحل شود. وقتی مطلوب متعدد است، نذر نسبت به حصه زکات، چون قابل وفا نیست، باطل است. اما دلیلی ندارد که نسبت به مابقی مال باطل باشد. این انحلال می‌تواند نشئت گرفته از انحلال متعلق نذر باشد. ایشان می‌فرماید در این صورت اصل نذر صحیح است؛ زکاتش را می‌دهد و نسبت به مابقی، صدقه می‌دهد.

پرسشگر: ...

معظم‌له: روزه ماه رمضان، یک عبادت است یا خیر؟ بله، «یک عبادت» است. حال اگر کسی روزه یک روز را باطل کرد، آیا بطلان آن به صحت روزه‌های دیگر نیز خللی وارد می‌سازد؟ خیر. درست است که «یک عبادت» است، اما عبادتی است که دارای اجزایی است که بطلان یک جزء، به بطلان عبادت در جزء دیگر صدمه وارد نمی‌کند. یا مثال دیگری بزنیم، فرض کنید نذر کرده است که همه علمای این شهر را اکرام کند: «اللّٰهُ عَلَيَّ اَنْ اُكْرِمَ عُلَمَاءَ هَذِهِ الْمَدِيْنَةِ». بعد، به هر دلیلی، اکرام چند نفر از این عالمان از قدرت او خارج شد، آیا نذر نسبت به باقی علما ساقط می‌شود؟ خیر، بلکه باید نسبت به مابقی علما وفا کند.

حق آن است که متعلق زکات، مجموع المال است. اما مجموع المال دو حالت دارد:

➤ مجموع المال بدون تفکیک جزء از جزء، که ناظر به نحو وحدت مطلوب است.

➤ مجموع المال که هر بخش از آن، وجودی مستقل از وجود دیگری دارد.

گاهی مجموعی است که وجودش مستقل از وجود بخش‌های دیگر نیست. در مقابل، گاهی مجموعی است که وجودش مستقل است. هنگامی که نذر به چنین مجموعه‌ای تعلق می‌گیرد، همانند آن است که نذرهای متعددی به هر جزء تعلق گرفته باشد. حال که وضعیت چنین است، اگر این نذر نسبت به جزئی از این مجموعه باطل شد، چرا باید بطلان آن به سایر اجزا سرایت کند؟ پس نذر همچنان صحیح است و باید بدان عمل کند. لذا آن جزئی که نذر نسبت به آن باطل می‌شود، همان حصه الزکاة است و شخص نسبت به باقی اجزا، به نذر خویش عمل می‌نماید. این، تبیین فرمایش مرحوم آیت الله حکیم رحمته الله بود.

پرسشگر: ...

معظم‌له: اگر کسی بگوید: «اللّٰهُ عَلَيَّ اَنْ اُتَصَدَّقَ بِهَذِهِ الدَّرَاهِمِ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ» و فرض کنید این درهم‌ها دویست یا سیصد عدد باشند و نصاب زکوی هم داشته باشند، نذر به تک تک درهم‌ها منفک می‌شود: «اُتَصَدَّقُ بِهَذَا الدِّرْهَمِ»، «اُتَصَدَّقُ بِهَذَا الدِّرْهَمِ» و.... حال اگر فرض کنیم که بعضی از این درهم‌گم شد یا دزد پنجاه تایی آن را ببرد، آیا نذر نسبت به مابقی درهم‌ها باطل می‌شود؟ خیر، وجهی ندارد که حکم به بطلان همه نذر بدهیم. مرحوم آیت الله حکیم چنین می‌گوید و سخن متینی است؛ زیرا در اینجا، نذر به نحو تعدد مطلوب است. نذر نسبت به حصه الزکاة باطل می‌شود و نسبت به مابقی، به نذر خویش عمل می‌کند.

نظریه مختار: تعلق زکات به نحو کلی فی الذمه

این تفصیل بر این مبتنی است که «اگر چنین باشد، چنان خواهد شد». اما بحث اصلی این است که اگر نذر به مجموع المال تعلق گرفت، آیا بر نحو وحدت مطلوب است یا تعدد مطلوب؟

دیدگاه ما آن است که این مسأله، دایرمدار متعلق نذر است. اگر وجود متعلق نذر، وجودی انحلالی بود، این نذر خودبه خود به تعداد متعلق نذر منحل می شود. اما اگر وجود متعلق نذر، وجودی وحدانی و غیرمتجزی است، اینجا وحدت مطلوب حاکم است و نذر باطل است.

برای مثال، اگر کسی یک گاو داشته باشد و نذر کند کل این گاو را صدقه بدهد، این رأس گاو تعدد مطلوب ندارد و نذر به امری تعلق گرفته که قابل انحلال نیست؛ اما اگر نذر کرده به این دویست درهم، درهم ها وجودی منفک از هم دارند و وجودشان انحلالی است. اینجا خودبه خود نذر به نحو تعدد مطلوب محقق می شود.

در اجناس زکوئه -مانند غلات- معمولاً چنین انحلالی تصور می شود؛ یعنی برای هر جزئی از اجزای این اجناس، وجودی مستقل از وجود جزء دیگر هست. حال فرض کنید که سهم زکات، مثلاً یک تُن باشد. در این صورت، نذر نسبت به این یک تُن باطل می شود و نسبت به مابقی صحیح است.

اساساً، دیدگاه برگزیده در مبحث زکات، که تفصیل آن در جای خود خواهد آمد، آن است که زکات به «کلی فی الذمه» تعلق می گیرد. اینکه در روایات داریم شخص می تواند قیمتش را بدهد یا از جای دیگری ادا کند، به این دلیل است که متعلق زکات، کلی فی الذمه است، نه اینکه به مالک، ولایت بر تبدیل داده باشند.

بنابراین، اگر کسی نذر کند تصدق به همین مال زکوئه، پس از آنکه حول بر آن گذشته و زکات بدان تعلق گرفته، نذرش صحیح است. او باید عین همه مال را صدقه دهد و آن زکاتی را که به نحو کلی فی الذمه بر عهده اوست، از مال دیگر بپردازد؛ زیرا اساساً آنچه به عنوان وجوب زکات بر ذمه او قرار گرفته، عین این مال نیست؛ بلکه کلی است. صدقه به این عین تعلق گرفته است و زکات به کلی فی الذمه. و او می تواند کلی فی الذمه را با مال دیگری ادا کند.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين